

سلام الغزالي

دانشگاه پیام نور - تهران	
دفتر نشر و کتابخانه	
PIR	کتابخانه
۱۵۴	شماره کتاب
۸۴۶۲۸	تاریخ ثبت

دانشگاه پیام نور
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

شرح و بررسی تحلیلی تحفه العراقین خاقانی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر فاطمه کوپا

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر نرگس محمدی بدر

مؤلف: اعظم السادات اکرمی فر

اردیبهشت ۱۳۸۴

۱۰۵۳۵۵

اطلاعات کتابخانه
سرکار خانم دکتر فاطمه کوپا

۱۳۸۴ / ۱۱ / ۱۵

بسمه تعالی

تصویب نامه پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان

شرح و بررسی تحلیلی تحفه العراقین / خاقانی


که توسط اعظم السادات اکرمی فر تهیه و به هیأت داوران ارائه گردیده است مورد تأیید می باشد.

درجه ارزشیابی: عالی

نمره: ۱۹/۷۵

تاریخ دفاع: ۸۴/۴/۱۲

اعضای هیأت داوران:

نام و نام خانوادگی هیات داوران	مرتبه علمی	امضا
۱- خانم دکتر کوپا	استاد راهنما	
۲- خانم دکتر محمدی بدر	استاد مشاور	
۳- آقای دکتر نجف دری	استاد داور	
۴- خانم دکتر کوپا	نماینده محترم گروه	

تقدیم به:

روان پاک و روح پرفتوح همسرگرامیم
که تشنه‌ی دانش و معرفت بود و
مشوق دیرینه‌ام در کسب روزافزون
فضل و دانش.

سپاس‌گزاری

خدای را سپاس، که این توفیق را به من ارزانی داشت که با وجود قلت بضاعت علمی، قدم در این عرصه‌ی خطیر بنهم و فراز و فرود آن را به مدد او به سرانجام برسانم، و هم از این بابت نیز طلب عفو و مغفرت از ساحت ربوبی دارم که در مسیری گام نهادم که شایسته‌ی ادیبان و سخن‌سنجان است نه بی‌بضاعتی چون من، به قول حکیم سنایی:

«به حرص از شربتی خوردم مگیر از من تابستان بود و بیابان و آب سرد و استسقا»

اما آنچه قدر مسلم است، اگر راهنمایی‌ها و دلسوزی‌های اساتید بزرگوaram به من یاری نمی‌رساند، هرگز نمی‌توانستم این راه دشوار را بییمایم و اگر توفیقی حاصل شده، تماماً متعلق به آن بزرگواران است و سهم اندکی را نیز از آن خود نمی‌دانم و در اینجا بر خود فرض می‌دانم که به مصداق «لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق» نهایت سپاس‌گزاری و قدرشناسی خود را نسبت به آن بزرگواران و ارباب فضل و معرفت بیان کنم. در ابتدا از عنایات بی‌دریغ استاد گرامی و ارجمند، **سرکار خانم دکتر کوپا**، کمال تشکر و سپاس را دارم، بزرگوar صاحب‌نظری که چه در طول تحصیل و چه به‌عنوان استاد راهنمای این حقیر، عالمانه و صبورانه مرا در این امر بزرگ راهنمایی کردند و با حوصله و دقتی درخور تحسین، مرا گام به گام هدایت نمودند. از خداوند متعال برای این مربی عزیز توفیق و سربلندی هرچه بیشتر، آرزو می‌کنم و امیدوارم پروردگار در همه مراحل زندگی - چه علمی و چه غیر آن - پشتیبان و مؤید ایشان باشد؛ همچنین از استاد گرانقدر **سرکار خانم دکتر محمدی بدر** نیز قدردانی و تشکر می‌کنم که به‌عنوان استاد مشاور، مرا از نکته‌سنجی‌های هوش‌مندانه‌ی خود بی‌نصیب نفرمودند و با نظری صائب، اشکالات کار را بررسی و به من گوشزد نمودند، برای ایشان نیز از پیشگاه ایزد منان توفیق روزافزون خواهانم. از سرکار خانم جانان که در تایپ دقیق این مجموعه کمال دقت را مبذول داشتند سپاس‌گزاری می‌کنم و امیدوارم خداوند در انجام خدمات فرهنگی یار و یاورشان باشد.

همچنین از تمام دوستان بزرگواری که در این راه حامی و مشوق من بوده‌اند و از همکفری با من دریغ ننموده‌اند قدردانی می‌کنم و آرزو می‌کنم همواره مشمول توفیقات الهی باشند.

در نهایت از پدر صبور و بزرگوar و مادر بهتر از جانم نیز بسیار سپاس‌گزارم که در این مدت همراه و پشتیبان شفیق و بی‌دریغ من بوده‌اند و از هرگونه همیاری کوتاهی نکرده‌اند و برای ایشان عمری طولانی و همراه با عزت از حضرت حق خواهانم، همچنین از فرزندانم - شیوا و شایان - نیز سپاس‌گزارم که در این برهه‌ی زمانی قصور و کوتاهی مرا در انجام وظایفم تحمل نمودند و دم نزدند.

و من الله التوفیق

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
سه	۱- چکیده
چهار	۲- مقدمه
۱	۳- کلیات تحقیق
۲	۳-۱ الف: تعریف مسأله و پرسش‌های تحقیق
۲	۳-۲ ب: فرضیات
۳	۳-۳ ج: اهداف پژوهش
۳	۳-۴ د: اهمیت و ضرورت پژوهش
۴	۴- روش تحقیق
۷	۵- فهرست علائم اختصاری
۸	۶- مقدمه (شرح حال)
۱۵	۷- متن اشعار
۵۷	۸- شرح اشعار
۵۸	۸-۱ خطاب به آفتاب به وجه نکوهش
۶۸	۸-۲ خطاب به آفتاب در نعت حضرت خاتم‌النبیین - صلی‌الله علیه و آله و سلم -
۸۲	۸-۳ در صفت اولیاء علیهم‌الرحمه
۸۸	۸-۴ در جواب سؤال خواجهی بزرگ گوید
۹۱	۸-۵ سؤال کردن ملک‌الوزراء از خاقانی
۹۳	۸-۶ جواب دادن خاقانی ملک‌الوزراء را
۹۵	۸-۷ نصیحت ملک‌الوزراء خاقانی را
۹۸	۸-۸ کیفیت دیدن حضرت خضر علیه‌السلام
۱۰۵	۸-۹ حکایت کردن حضرت خضر علی نبینا و علیه‌السلام
۱۱۴	۸-۱۰ ذکر کردن شعر خاقانی در مجلس خضر علیه‌السلام
۱۱۸	۸-۱۱ نصیحت خواجهی خضر مرخاقانی را

- ۸-۱۲ سؤال خاقانی از حضرت خضر علیه السلام ۱۲۱
- ۸-۱۳ جواب دادن خضر علیه السلام خاقانی را ۱۲۵
- ۸-۱۴ در مذمت جمعی که برداشته‌ی دنیا اند گوید ۱۴۱
- ۸-۱۵ در ذکر معراج حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم ۱۵۷
- ۸-۱۶ در صفت براق فرماید ۱۵۹
- ۸-۱۷ در صفت راه معراج گوید ۱۶۸
- ۸-۱۸ در صفت عالم کل - یعنی دل - فرماید ۱۷۶
- ۸-۱۹ در فضیلت زمین و مساکن آن فرماید ۱۸۵
- ۸-۲۰ باز آمدن از سفر شروان و عزیمت سفر دوباره به عراق و ستایش اصحاب آن بلاد ۱۹۰
- ۸-۲۱ در صفت بغداد خطاب به آفتاب نموده ۱۹۶
- ۸-۲۲ در صفت دجله گوید ۲۰۲
- ۸-۲۳ در صفت زورق فرماید ۲۰۷
- ۸-۲۴ در ستایش مشهد مقدس حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علی النبی و علیه الصلوه و السلام ... ۲۱۲
- ۸-۲۵ در صفت بادیه گوید ۲۲۱
- ۸-۲۶ در تعریف کعبه‌ی معظمه ۲۲۷
- ۹- نتیجه گیری ۲۳۱
- ۱۰- واژه‌نامه (نمایه) ۲۳۲
- ۱۱- منابع و مأخذ ۲۴۳
- ۱۲- چکیده انگلیسی ۲۴۴

نام خانوادگی دانشجو: اکرمی فر
 نام: اعظم السادات
 عنوان پایان‌نامه: شرح و بررسی تحلیلی تحفه‌العراقین خاقانی
 استاد راهنما: دکتر فاطمه کوپا
 استاد مشاور: دکتر نرگس محمدی بدر
 مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
 رشته: زبان و ادبیات فارسی
 گرایش: محض
 دانشگاه: پیام نور - تهران
 دانشکده: ادبیات و علوم انسانی
 تاریخ فارغ‌التحصیلی: ۸۴/۴/۱۲
 تعداد صفحات: ۲۴۴

چکیده

«تحفه‌العراقین» منظومه‌ای در قالب مثنوی است که درحقیقت سفرنامه‌ی منظوم شاعر می‌باشد؛ و خاقانی درضمن آن شرح حال و نمایی کلی از مسافرت خود به عراق عجم و عرب را شرح داده است، آنچه از مجموع ابیات این اثر برمی‌آید، اطلاعات گرانقدری است که شاعر در لابه‌لای اشعار خود از آداب و رسوم و عادات مردم نواحی مختلف به دست داده و به جز این دیدارهای مکرر خاقانی با برخی از علما و بزرگان، از دست‌مایه‌های ارزشمند این اثر است.

شاعر در کنار توصیفات زیبای خود از خانه‌ی خدا، به تفصیل به معرفی سرزمین‌های اطراف آن و مراسم ویژه حق از طواف گرفته تا سعی صفا و مروه، حق مطلب را ادا کرده است. آنچه در این منظومه بیش از همه رخ می‌نماید، نعت و ستایش نبی اکرم (ص) است که از ارادت و اخلاص بی‌شائبه‌ی خاقانی به آن یگانه‌ی عالم سرچشمه می‌گیرد.

از این گذشته واژه‌هایی همچون: آفتاب، شام، مضامین بکر و عالی، آرایه‌های ادبی متعادل، ترکیباتی از قبیل: دُل‌دل، چرخ اطلس، حبیب کمال، خیمه دوست، عمود صبح، کتف آفتاب و... در این اثر از بسامد قابل توجهی برخوردارند. دراین پژوهش، سعی بر آن بوده است که ضمن گشودن حجاب‌های ابهام‌آفرین‌ی مخدّرات معنی، در جهت ذکر و بیان نکات ادبی و معانی و مفردات و اصطلاحات و معرفی بیشتر اثر قدم برداریم.

واژگان کلیدی:

تحفه‌العراقین - خاقانی - بررسی تحلیلی - شرح

آنچه در این مقال مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته، شرح و بررسی گزیده‌ای از تحفه‌العراقین حکیم افضل‌الدین خاقانی شروانی است، شاعر فرزانه‌ای که قدم گذاشتن در دنیای اشعارش دقت و حوصله‌ی فراوان، توأم با دانشی افزون را طلب می‌کند، زیرا آنچه‌ان جهان بی‌حدّ و مرزی است که تنوّع و رنگارنگی آن چشم را خیره می‌کند و بهره‌گیری اعجاز‌گونه‌ی او از واژه‌ها و اصطلاحات مختلف، شکوه و عظمتی به آن بخشیده که به حق می‌توان اشعارش را نسخه‌ی بی‌بدیل روزگار نامید، از این‌رو اگر از روی جهل و ناآگاهی، به این عرصه گام نهادم و با کورمال کورمال ادبی این راه را طی کردم، از ساحت این حکیم فرزانه پوزش می‌طلبم و امیدوارم با حمایت بی‌دریغ اساتید بزرگوار، سعی و تلاشی درخور ارائه داده باشم و قدمی هرچند ناچیز، در شناخت و معرفت این شاعر چیره‌دست برداشته باشم.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

كليات تحقيق

تعریف مسأله و پرسش‌های تحقیق

شرح و بررسی گزیده‌های از مثنوی ارزشمند «تحفه‌العراقین» خاقانی شروانی، اساس کار این پژوهش است، که با همیاری استادان گران‌قدر، انجام پذیرفته است. این بررسی شامل معانی لغات و اصطلاحات علمی، نجومی، فلسفی، ... و بیان آرایه‌های ادبی و درنهایت برگرداندن ابیات به نثری سلیس و روان می‌باشد.

سوالاتی که امید می‌رود در راستای این تحقیق جواب داده شود به ترتیب زیر است:

- ۱- آیا می‌توان صرف‌نظر از دیوان اشعار خاقانی، فقط با نگرشی به تحفه‌العراقین، به شخصیت فرهنگی و مذهبی خاقانی پی برد؟
- ۲- آیا معلومات و دانسته‌های وسیع خاقانی در باب نجوم، هیأت، طب، فلسفه، موسیقی، حکمت و... در تحفه‌العراقین او نیز هویدا و آشکار است؟
- ۳- آیا تحفه‌العراقین را می‌توان یک سفرنامه منظوم - با همه‌ی ویژگی‌های یک سفرنامه - نامید؟
- ۴- تحفه‌العراقین تا چه میزان می‌تواند آراء و عقاید خاقانی را در باب مذهب و آداب و رسوم مردم عراق عجم و عراق عرب بیان کند؟
- ۵- نام «تحفه‌العراقین» را چه کسی بر این منظومه نهاده است؟ خود شاعر یا دیگران؟
- ۶- آیا تحفه‌العراقین از جهت به‌کار بردن قواعد دستوری همپای آثار هم‌دوره‌ی خویش حرکت کرده است؟
- ۷- خاقانی این منظومه را بعد از بازگشت از سفر سروده است یا اینکه در ضمن مسافرت‌هایش به نظم درآورده است؟

فرضیات:

باتوجه به مطالعه‌ی اجمالی و اولیّی‌های اشعار این شاعر

- ۱- در تحفه‌العراقین می‌توان به اعتقادات مذهبی خاقانی پی برد و متوجه انقلاب روحی و روانی او شد، همچنین در انتهای اشعارش اطلاعات چندی در باب زندگانی خود و پدر و مادرش... به ما می‌دهد.
- ۲- خاقانی اطلاعات فراوانی در باب علوم و فنون روزگار خود داشته است که در سراسر تحفه‌العراقین واضح و آشکار است.
- ۳- تحفه‌العراقین یک سفرنامه است، چون حرکت او را از شروان به عراق عجم و نواحی مختلف آن و سپس عراق عرب و بغداد و کوفه و مکه و مدینه بیان می‌کند که در نهایت از مدینه به شام و موصل رفته است و در سال ۵۵۲ به وطن بازگشته است.
- ۴- خاقانی در این مثنوی در عین حال که بزرگان و علمای عراق عجم و عراق عرب را ستوده، آداب و رسوم و اخلاقیات بعضی از ممالک را نیز بیان کرده است.

- ۵- در این مثنوی هیچ جا کلمه‌ی «تحفه‌العراقین» دیده نمی‌شود و شاید به مناسبت آن که، آن را در شرح مسافرت خود به عراقین سروده، دیگران این نام را بر کتاب گذاشته باشند.
- ۶- با نگاهی به این مثنوی می‌توان فهمید که قواعد دستوری به کار رفته در آن تقریباً همانند بقیه‌ی آثار این دوره است مثل جمع بستن جمع‌های عربی و استفاده از دو حرف اضافه و... .
- ۷- بعضی از تذکره‌نویسان می‌گویند خاقانی این منظومه را در ضمن مسافرت‌هایش به مکه سروده ولی باتوجه به اشعار کتاب به نظر می‌رسد که بعد از بازگشت از سفر مکه و در شروان آن را سروده است.

اهداف پژوهش:

خاقانی شاعری توانا و چیره‌دست است که به علت احاطه‌اش بر علوم مختلف، حتی معانی ساده و روان را نیز در قالب اصطلاحات و الفاظ عالمانه و ادیبانه مطرح می‌کند و چون شاعر پرکاری است و از خود اشعار زیادی به ارمغان گذاشته است، هرچه درباره‌ی او و اشعارش گفته شود شنیدنی و قابل تعمق است، بنابراین امید است بتوان مختصری از تحفه‌العراقین او را مورد بررسی قرار داد و نتیجه‌ی این کار را در دسترس علاقمندان این شاعر دیر آشنا گذاشت.

اهمیت و ضرورت پژوهش:

باتوجه به اینکه براساس بررسی‌های انجام شده، تاکنون در این خصوص کاری منسجم و درخور توجه انجام نگرفته است، ضرورت انجام این پژوهش مشخص می‌شود، از این رو انجام این امر، کاری تازه و پژوهشی کاربردی خواهد بود.

روش تحقیق

روش تحقیق

مراحلی که در این پژوهش پیموده شد به ترتیب زیر است:

۱- ابتدا بعد از انتخاب اشعار، لغات و واژه‌های آن ابیات از فرهنگ‌های معتبر و مطمئن استخراج شد و در فیش‌های جداگانه‌ای ثبت گردید و سپس با برگزیدن معنایی از واژه که در ارتباط با بیت بود، تمام واژه‌ها معنا شدند و در ابیات مورد استفاده قرار گرفتند.

۲- بعد از مطرح شدن کلیات تحقیق و اهداف آن، با در نظر گرفتن مآخذ معتبری که در دسترس بود، مقدمه‌ای در باب زندگی و آثار این شاعر، بخصوص مثنوی «تحفه‌العراقین» او، نگاشته شده است که برای تفصیل بیشتر می‌توان به کتاب‌های تاریخ ادبیات، مقدمه‌ی دیوان و سایر کتب مراجعه نمود.

۳- اشعار مورد بحث که ۲۶ مثنوی برگزیده از مثنویات تحفه‌العراقین می‌باشد، به صورت پیوسته ذکر شده و سپس به ترتیب مورد شرح و بررسی قرار گرفته است، در شرح و معنی تک تک ابیات، تا جایی که امکان داشته، علاوه بر واژه‌های دشوار، اغلب کلمات ساده نیز معنی شده و بعد از پرداختن به زیبایی‌ها و آرایه‌های ادبی موجود در بیت - البته در حد متعادل و غیرفنی - نثر سلیس و روانی از بیت بیان شده است. ۴- در حد امکان سعی گردیده که ذیل هر بیت شواهدی از دیگر آثار خاقانی - دیوان و منشآت - نیز ذکر شود و اگر اسم خاصی در ارتباط با افراد، اماکن، نجوم، فلسفه و... در بیت مشاهده شده، با تفصیل بیشتری بیان شده است.

۵- علی‌رغم تلاشی که انجام شد، به جز کتاب دکتر یحیی قریب، هیچ شرحی در باب این کتاب یافت نشد، لازم به ذکر است که کتاب مورد نظر با اینکه منبع بسیار خوبی بود و در بیشتر موارد توانست راهگشا باشد، تنها بعضی از واژه‌های دشوار و تعدادی از ابیات را به صورت کلی شرح داده است.

۶- در فهرست منابع و مآخذ، نام بعضی کتب قید شده که به گونه‌ی مستقیم مورد استفاده قرار نگرفته، نظیر تذکره‌الشعراء سمرقندی و فرهنگ‌های فارسی دکتر دبیر سیاقی، همچنین در کنار منابعی که در طرح اولیه ذکر شده، بنا بر ضرورت کتب دیگری نیز استفاده شده که اسامی آنها در فهرست ذکر گردیده است.

۷- از میان فرهنگ‌ها، بیشترین توجه به «لغت‌نامه، معین، سجدای» شده است و سعی بر آن بوده است که به منابع اصلی و در صورت امکان قدیمی‌تر بیشتر توجه شود و در موارد بسیار اندکی واژه‌های نسخه خطی مربوط به کتابخانه ملی ارجح به نظر می‌رسید که در شرح بیت، توضیح داده شده است.

۸- ارجاعات مربوط به فرهنگ‌ها و سایر کتب در خود متن، کنار واژه‌ی شرح شده، آمده است و چون این ارجاعات مکرر بوده از علایم اختصاری هر کتاب استفاده شده که قبل از اشعار، ذکر گردیده است.

۹- غیر از شرح و معنی ابیات که به قلم نگارنده است، در بقیه‌ی موارد توضیحات و برداشت‌های شخصی در داخل قلاب [] ذکر شده است.

۱۰- بعد از نتیجه‌گیری از این پژوهش، واژه‌نامه‌ی بسامد‌گونه‌ای عنوان شده و در انتها فهرست منابع و مآخذ درج شده است.

امید است این پژوهش راه‌گشایی باشد برای جویندگانی چون من، که تشنه‌ی شناخت پاسداران علم و ادب این مرز و بوم هستند.

فهرست علایم اختصاری

علامت اختصاری	نام کتاب
۱- آندراج	۱- فرهنگ جامع فارسی
۲- اساطیر	۲- فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی
۳- برهان	۳- برهان قاطع
۴- تحفه	۴- تحفه العراقین
۵- جهانگیری	۵- فرهنگ جهانگیری
۶- خرّمشاهی	۶- حافظ نامه خرّمشاهی
۷- دهخدا	۷- لغت نامه
۸- دیوان	۸- دیوان خاقانی شروانی
۹- سجّادی	۹- فرهنگ لغات و تعبیرات سجّادی
۱۰- عرفانی	۱۰- فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی
۱۱- غیاث	۱۱- فرهنگ غیاث اللّغات
۱۲- گلشن راز	۱۲- شرح گلشن راز
۱۳- معدن کن	۱۳- بزم دیرینه عروس
۱۴- معین	۱۴- فرهنگ فارسی
۱۵- منشآت	۱۵- منشآت
۱۶- نجوم	۱۶- فرهنگ اصطلاحات نجومی

مقدمه

مقدمه

افضل الدین بدیل خاقانی در سال «۵۲۰ هـ. ق» در شهر شروان از پدری نجار به نام علی و مادری نسطوری تازه مسلمان که پیشه‌ی او طبّاحی بود به دنیا آمد، تا آن جایی که از اشعار او برمی آید از پدر چندان راضی نبوده و حتی به هجو وی نیز پرداخته است.

زین خام قلتبان^۱ پدری دارم کز آتش آفرید جهان دارش

اما در مقابل، به مادر بسیار دلبستگی دارد و دلیل پای بندی خود را در شروان مهر مادری می داند و در قطعه‌ای می گوید:

خو کرده به تنگنای شروان با تنگنای آب و نان مادر
با این همه هم نگاه می دار حق دل مهربان مادر

از کودکی نزد عموی خود، کافی الدین عمر بن عثمان، که مردی حکیم و طیب و فیلسوف بود به تحصیل دانش پرداخت و همواره در سایه‌ی تربیت و حمایت او با شوق فراوان در کسب دانش می کوشید و از این بابت همواره خود را مدیون عم می داند و در اشعار زیادی - چه قصیده و چه قطعه - او را مورد ستایش قرار می دهد و بعد از وفات او در سوگش می گوید:

کو آن که ولی نعمت من بود و عم من عم چه که پدر بود و خداوند به هر باب

زمانی که به بیست و پنج سالگی رسید، این حامی و پشتیبان خود را ازدست داد و از این رو به ناچار به ابوالعلاء گنجوی روی آورد، ابوالعلاء در کنار دیگر شاگردانش، خاقانی را نیز زیر بال و پر خود گرفت و حتی دخترش را نیز به همسری او در آورد و با معرفی کردن او به «خاقان اکبر منوچهر شروان شاه»، تخلّص «خاقانی» را نیز برای او گرفت. - قبل از آن حقایقی تخلّص می کرد - زندگی خاقانی پر از فراز و نشیب بوده است و او شاعر حسّاس و زودرنجی بوده که حوادث زندگی در او بسیار تأثیر گذار بوده و در مواقع بسیاری دلش را به درد آورده است، بنابراین در آثار او، علاوه بر اطلاعات گوناگونی که در باب علوم مختلف می بینیم، حوادث و سوانح زندگی او نیز اعم از مرگ عزیزان، گرفتار شدن، گله و شکایت از مردم زمانه - بخصوص مردم شروان - و سایر موارد در اشعارش، ملاحظه می شود؛ بالاخره خاقانی این زندگی پر مخاطره را - بنا بر قول معروف - در سال ۵۹۵ قمری در تبریز به پایان رساند و به دیار باقی شتافت.

«نقل به مضمون از معدن کن / ص ۳-۱»

مذهب و بینش خاقانی

خاقانی نظری تعصّب آمیز نسبت به دین و مذهب دارد و با پیروی از مذهب تسنن (شافعی مذهب) احکام و طریق آن را در اشعارش بیان می کند و ضمن مدح و ستایش پیامبر اکرم (ص) از چهار خلیفه او نیز به کرات یاد می کند.

۱ - «قلتبان»: بی حمیت، بی غیرت.

از دفتر عشق چار یارش
 یک بود و ده و صد و هزارش
 اصحابش بیش و کم نشاید
 که اعداد مهین چهار باید
 همچنین ارادتی خاص به مولا علی (ع) دارد و علاوه بر دیوان که از ولایت علی و حب او می‌گوید، در تحفه‌العراقین نیز بعد از زیارت مشهد آن حضرت، چنین می‌سراید:

سرها بینی کلاه در پای
 در مشهد مرتضی جبین سای
 جان‌ها چو سپاه نحل پرجوش
 بر خاک امیر نحل مدهوش

خاقانی در کنار اعتقادات مذهبی‌اش، به شدت از فلسفه و علوم غیردینی بیزار است و این تنفر را به صراحت در اشعارش قید کرده است و پیوسته مردم را از درآمیختن فلسفه با دین برحذر می‌دارد؛ چنان که می‌گوید:

نقد هر فلسفی کم از فلسیست
 فلس در کیسه‌ی عمل منهد
 و یا در تحفه‌العراقین می‌گوید:

چند از دم فلسفی شنودن
 نه فلسفه بل سغه نمودن
 پا از سر این حدیث در نه
 فلسی ز هزار فلسفی به

«نقل به مضمون از معدن کن / ص ۸-۶»

سبک خاقانی

در میان ادوار شعری فارسی‌زبانان، قرن ششم از بسیاری جهات شاخص و ممتاز است و می‌توان این قرن را نقطه عطفی در سراسر قرون دانست، زیرا شعر فارسی آنچنان شکوفا می‌شود و وسعت می‌یابد که نتیجه و دستاورد آن بعد از گذشته اعصار و قرون، همچنان ثابت و برقرار است و خواننده‌ی شعر این دوره، حظ ادبی وافری می‌برد. خاقانی در کنار سیصد شاعری که در این دوره خودنمایی کرده‌اند، مقامی خاص و ویژه دارد و می‌توان گفت او و نظامی - شاعر چیره‌دست خمه - شیوه‌ای نو در نظم ایجاد کردند که به سبک آذربایجانی شهرت یافته است و اگرچه در بعضی موارد، سبک خراسانی را در نظر داشته، اما در ابداع ترکیبات و تشبیهات خاص و استخدام الفاظ و بیان معانی سبکی نو آورده است و به همین دلیل غالب تذکره‌نویسان او را مبدع و مبتکر دانسته‌اند.

منصفان استاد دانندم که از معنی و لفظ
 شیوه تازه نه رسم باستان آورده‌ام

خاقانی را قبل از آن که شاعر تلقی کنیم باید یک عالم همه فن حریف بدانیم، زیرا در کنار دقت نظر و باریک‌بینی و قریحه ذاتی او، آنچه که باعث ارزش‌مندی آثار او شده است، احاطه‌ی علمی او بر تمام علوم رایج زمان خود بوده است. شاید به همین دلیل است که او را شاعری «دیر آشنا» نامیده‌اند، زیرا هرگز نمی‌توان بدون آشنایی با اصطلاحات نجومی، فلسفی، عرفانی، طبّی، موسیقی و... به فحوای کلام او پی برد و یا حداقل باید از فرهنگ‌های مختلفی استفاده کرد تا معنای ظاهری سخن او را دریافت.

علی‌رغم این که بعضی از محققین درباره‌ی او بی‌انصافی کرده‌اند و خاقانی را شاعری جاه‌طلب و برخوردار از عقده‌ی حقارت، معرفی کرده‌اند، باید دانست او شاعری بلندطبع و عالم بوده و به واسطه‌ی علم سرشار و همت بلندی که داشته است توقعش از اطرافیان فزون‌تر است و رنجش بیشتری از مردم

روزگار خود دارد و این را در اشعارش منعکس ساخته است و شاید یکی از دلایلی که موجب شده، خاقانی آنچنان که درخور مقام بلند اوست، معروف و مشهور نباشد، پنبچیدگی و دشواری اشعار او باشد، زیرا هر کسی نمی‌تواند از آن استفاده کند، خاقانی آنچنان در استخدام لغات و واژه‌ها دقت به خرج می‌دهد که فراتر از لغات و واژه‌های در دسترس، سخن می‌گوید و با سیطره‌ی علمی خود، به گونه‌ای معانی را در لباس الفاظ می‌پوشاند که بکر و بدیع است و در سخنان معاصرین او چنین دوراندیشی را نمی‌توان ملاحظه کرد، او درعین حال که از حکمت یونان بیزاری می‌جوید، دلایلی منطقی و مذهبی در مقابل آن ارایه می‌دهد و آن را مایه‌ی ضلال و گمراهی می‌داند، به عرفان و تصوّف نیز گرایش دارد و با وجود این که گسترش عرفان و تصوّف را در شعر به سنایی نسبت می‌دهند، امّا او نیز سهم به‌سزایی در این مورد داشته است، که نمی‌توان آن را نادیده گرفت، در جایی می‌گوید:

بامدادان سوی مسجد می‌شدم پیری از کوی مغان آمد برون

دست من بگرفت و در میخانه برد با من از راز نهان آمد برون

و یا در تحفه‌العراقین در وصف اولیاء می‌گوید:

از باب بهشت سر کشیده دوزخ به دو جرعه در کشیده

خمخانه به دیده در گشاده کونین به می گرو نهاده

«نقل به مضمون از مقدمه دیوان / ص ۳۰ و ۵۲»

آثار خاقانی

- خاقانی را در نثر و نظم، باید یک استاد مسلم فرض کرد، زیرا با وجود این که در نثر، آثار زیادی از خود به جای نگذاشته، لیکن همان یک اثر - منشآت - دلالت بر توانمندی و مهارت اوست، آثار او عبارتند از:
- ۱- دیوان اشعار، معروف به کلیّات خاقانی که در حدود هفده هزار بیت دارد و شامل قصاید، غزلیّات، قطعات، رباعیّات و ابیات عربی اوست و شروح درخور توجه‌ای نیز درباره‌ی آن نگاشته شده است.
 - ۲- تحفه‌العراقین، منظومه‌ای در قالب مثنوی و در بحر هزج مسدّس اُخرَب مقبوض مقصور (یا مخدوف) - است که نزدیک به سه هزار و دویست بیت دارد و در واقع سفرنامه‌ی منظوم اوست که دیباچه‌ای منثور و درخور توجه دارد، این کتاب در سال ۱۳۳۳، به تصحیح دکتر یحیی قریب در تهران به چاپ رسیده است.
 - ۳- منشآت، که می‌توان گفت تنها اثر منثور اوست، که نشان‌گر استادی او در این عرصه نیز هست و مشتمل بر نامه‌هایی است که به دوستان و بزرگان زمان خود نوشته است.
 - ۴- مثنوی ختم‌الغرائب، که نسخه‌ی ناقصی از آن به جای مانده است.

«نقل به مضمون از مقدمه دیوان / ص ۵۸»

مثنوی تحفه‌العراقین

تحفه‌العراقین خاقانی را باید سفرنامه‌ی منظوم او بعد از بازگشتش از سفر مکه تلقی کرد، او در این اثر ضمن شرح مسافرت خود به مکه، از شهرهایی که گذشته و افرادی که با آنان ملاقات داشته، به خوبی سخن گفته است و در نهایت آن را به نام «جمال‌الدین وزیر صاحب موصل» به اتمام رسانده و به او تقدیم داشته است و در دیباچه‌ی غرایی که این مثنوی دارد، اشاره کرده که قبل از تقدیم این کتاب به جمال‌الدین موصلی